

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سیدموسی عثمان هستی

۰۴ جنوری ۲۰۱۴

طنز آنست که از سنگر آشکار هدف پنهان را بزند

ایمان داری روبرو هستی بابی ایمانی
نگوتور از پنهانی که روزی گردد عیانی
خواهی زنده بمانی از خودنمان نشانی
"کجاکاری کند عاقل که باز آید پشیمانی"
شاعری وزن وی ترازو

در هفته ای که گذشت خبرنگار ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورنتوی ایالت اونتاریوی کانادا مصاحبه استاد سیاف جلاذ افشار کابل راز پرسؤال برد، که پیروان سیاف و شورای نظارسخت از آن ناراحت شده اند. چون در این جا و هر آن جایی که خود حضور داشته باشم هیچ یک از نوکران آنها جزأت رویارویی با این قلم را ندارند، در نتیجه استاد سیاف به قومندان جهادی سربه کف خود سپهسالار جنگهای تنظمی افشارمشهور به طوفان بی خدا دستور داده که جای دادهای میراثی قاضی موسی هستی رانمند داری های مردم، همان طوری که کوه و دامنه های کوه های کابل رابه فروش رسانیدید، داری های این مرتد را هم ضبط و به فروش برسانید. و هم برادران احمدشاه مسعودمشهور به حلواخورک های سرقبر را استاد سیاف طعنه داده که از آهن (...) مانده چرا به دهن خبرنگار ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورنتو ایالت اونتاریوی کانادنی زنی که نه تنها خبرنگار بینام، بلکه دایر کاغذ و قلم سایت کابل پرس هم لیک کند و بوی جوس آن به دماغ خامنه ای هم برسد. از یکطرف استاد می گوید من احترام به انسان و انسانیت و آزادی فردی و آزادی بیان دارم و از طرف دیگر قومندان سیاه قلب خود را دستور می دهد که جای داده میراثی قاضی موسی هستی را ضبط نماید تا پند به گرگان قلم شود و دیگر جرأت این رانداشته باشند که نام تجاران دین و مذهب رارک و راست و یا باطنز درجائی ببرند حاضر را بزن که مقعد غیر حاضر از ترس بسوزد. آقای سیاف! من بیشتر از سی و چند سال شده که از افغانستان برآمده ام و سی سال شده که در کانادا زندگی می کنم نه تنها که به دین و مذهب آیدیالوژی و کمونیست غیر کمونیست کار ندارم شعله خود را می خورم و پرده خود می کنم من بیشتر از شما غرب زده شده ام حالا فرق بین ما و شما تنها چیزی که است شما مردانه تجارت سردین و مذهب می کنید و بین ملیت های افغانستان تفرقه می اندازید و اگر ضرورت شود آنها رابه وحدت و همدلی دعوت می کنید. به دهن من که کسی ملی پوست نمی کند دستم به آلونمی رسد می گویم آلوترش است به خاطر کم کردن باد شکم گگاه چیزی می نویسم شما رهبر ملت هستید حوصله بزرگ دارید چرا به مردمان بی سواد دستور می دهید و تحریک می کنید که جای دادهای قاضی موسی را ضبط کنید تا مجبور شود داخل افغانستان گردد در کمرش کمر بند انتحاری بسته کنیم و اورا

بی هوش سازیم موتررا در چهارراه عام پارک نمائیم و باریمود کنترول مانند کفایت الله آن را انفجار دهیم. پولیس هم به خبرنگار بی بی سی بگوید که طالب با بم انتحار کرده و طالب هم مانند احمد پوده مسؤولیت به گردن خود بگیرد و شما شب چند رکعت نماز شکرانه بخوانید که انسان های کشته شده رابه بهشت رسانید. دیگر گردن پتی پیش زنهانی کنند هر کدام شان هزار زن و بچه در اختیار دارند و غسل هم سرشان فرض نیست.

آقای سیاف! چاره ندارم و آدم ترسو و بزدل هم هستم زبان پشتو هم نمی دانم که به کرزی برسم شعبه هم نیستم که خلیلی و محقق از من دفاع کند و آن قدر بالای شهکاری های دوستم نوشته ام که پیش از یک هم روی ندارم.

احمدشاه مسعود که خودم و دوستانم وی را از لیز نورستان به پنجشیر آورده بودیم نتوانستیم که با وی سازش کنم و آب در آسیاب روس و آی اس آی بریزم پسران عمه من ضرار مقبل و برادرش با این ضرب المثل آشنا هستند **جواز مردی کم کن سالها فارغ بال باش** و اگر سرشان فشار بیاید از خون شریکی هم انکاری کنند. خلاصه پلهای عقب خود را ویران نموده ام راه برگشت به افغانستان ندارم تنها راهی که به من مانده توبه نامه می باشد. آن هم به شرطی که شما قبول کنید و یا به من زنی پیدا شود که از خانواده مجاهد پنجشیری و یاطالب قندهاری باشد که من هم کمتر از مارشال فهیم بادی گارد نداشته باشم آن وقت به تونشان بدهم که یک نان چند فطیر است. آقای سیاف! فکر نکنید که من از بزدلی به بهانه طنز عذری پیش کرده ام من سی و چند سال شده که از میراث پدری چیزی نه گرفته ام و نه خورده ام و نه برده ام اگر مردشوید از دیگر غاصبین بگیرید از شیر مادر به شما حلال تراست من به جنگ روباه و شغال کاری ندارم

راستی آقای سیاف! من فکرمی کردم که شما مرد خلیلی هوشیار و آدم شناس هستید وقتی که شنیدیم از حلوا خورک های سر قبر احمدشاه مسعود به خاطر ضبط جایزاد پدری من کمک خواسته اید و می خواهید سر زاغ بودن بگیرد طوری که معلوم می شود اگر دستگاه های جاسوسی باشما نمی بود عقل کل نبودید حالا که اسهال های سیاسی رابه گاه گل کردن بام سیاست می طلبید معلوم است که شما هم بیچاره شده اید. به علاوه قلاده عربستان سعودی، تنهاراه موفقیت تان دست زدن به دامن آی اس آی ، دستگاه جاسوسی ایران ، سیا و کاجی بی است که خود شما بهتر از من می دانید. روباه چالاک می تواند که جسد گاو شکار شده را بین خود، گرگ و شیر تقسیم کند که آن روباه تو خواهی بود. به امید پیروزی استاد سیاف در انتخابات اگر انتخابات صورت بگیرد همین دیگ و همان آش یعنی همین ملیت های بیخبر و همین رهبر گرگ در لباس میش

نوت : من ایمیل خود را داده ام که مزاحم سایت هانشوید و شما می توانید مرا دشنام بدهید دل خود را بیخ کنید و آب در آسیاب سیاف هابریزید اگر چیزی دست تان آمد مرا فراموش نکنید این نوشته من است که شما را به مقصد می رساند همه حیوانات سر آخور با هم می جنگند. تنها خران است که سر آخور با هم نمی جنگند. به اتفاق می خورند اگر مشکل پیش آید رهبران جهادی و طالبی از این راز باخبر هستند و این سلاح را همیشه در کمر مکر بسته اند

benamnewspaper@hotmail.com